

مقاله پژوهشی

خوانش بیش‌متنی طراحی نقوش سیارات هفت‌گانه در هنر سلجوقیان (نمونه موردی «کاسه مینایی» و کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی)

علیرضا عزیزی یوسفکند^۱؛ فرنوش شمیلی^۲؛ محمد خزایی^۳؛ بهمن نامور مطلق^۴

۱. دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه هنرهای تجسمی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

Email: f.shamili@tabriziau.ac.ir

۳. استاد گروه هنر اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۴. دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه و لاتین، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲، ۶، ۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲، ۹، ۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲، ۱۰، ۲۴

چکیده

مقدمه: در عصر سلجوقیان، هنر به شکوفایی و کمال نسبی رسید و آثار هنری متعدد و متنوعی با مضامین نجومی خلق شد که نشان‌دهنده اهمیت نجوم در این دوره است. هنرمندان این دوره، با آگاهی از جایگاه نجوم و مسائل نجومی، مفاهیم و مضامین نجومی را به‌عنوان تزیینات و نقوش مؤثر در زندگی، در آثار خود، به‌وفور منعکس کرده‌اند. پژوهش حاضر به‌دنبال شناخت مفاهیم نقوش نجومی و تأثیر متقابل هنرمندان سلجوقی از همدیگر در طراحی این نقوش در آثارشان است؛ بنابراین، شیوه تأثیر هنرمندان از همدیگر در طراحی نقوش سیارات ثابت و معانی آن‌ها در دو اثر دوره سلجوقی مورد بررسی و مطالعه واقع شده است و در این راستا، به‌دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که شیوه تأثیر طراحی نقوش سیاره‌های ثابت از همدیگر، بیشتر به‌کدام گونه از بیش‌متنیت تمایل دارد؟ و اینکه در فرآیند تأثیرپذیری چه تغییراتی در طراحی این نقوش ایجاد شده است؟ هدف پژوهش حاضر شناخت شیوه تأثیر طراحی نقوش سیاره‌های ثابت از همدیگر و نوع تغییرات در دو اثر مورد نظر پژوهش با رویکرد بیش‌متنیت ژرار ژنت است.

روش پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به‌صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، نقوش نجومی ترسیم‌شده در نسخه‌های خطی سلجوقی علاوه بر ملاک‌های نجومی، به لحاظ تزیینی تا حدودی منطبق با سایر نمونه‌های هنرهای صنعتی ترسیم‌شده و بعضاً به اقتضای سلیقه هنرمند، تغییراتی در آن‌ها صورت گرفته است. هنرمندان سلجوقی دارای شناخت کامل از تحولات هنر دوره خود و دوره‌های پیشین بوده‌اند و تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از تجارب سایر هنرمندان، هنر خویش را به‌حداعلای خود برسانند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به پژوهش صورت گرفته، نتایج نشان داد که تأثیر طراحی نقوش سیارات ثابت در کتاب «عجایب‌المخلوقات» (بیش‌متن) از طراحی نقوش سیارات ثابت در کاسه مینایی (پیش‌متن) براساس گونه‌شناسی بیش‌متنیت ژنت در دسته جایگشت (ترانسپوزیشن) و تراگونگی با کارکرد جدی است. تراگونگی‌های ایجاد شده در بیش‌متن شامل تغییرات (جنسی، شکلی، ترکیب‌بندی و رنگی) است. نگارگر «عجایب‌المخلوقات» در خلق یک بیش‌متن جدید و مستقل نگاه تقلیدی صرف نداشته و به‌گونه‌ای متفاوت‌تر به طراحی آن پرداخته است.

کلیدواژه

هنر سلجوقیان، سیاره‌های ثابت، سفال‌گری، نگارگری، بیش‌متنیت ژرار ژنت

ارجاع به این مقاله: عزیزی یوسفکند، شمیلی، فرنوش، خزایی، محمد و نامور مطلق، بهمن. (۱۴۰۳). خوانش بیش‌متنی طراحی نقوش

سیارات هفت‌گانه در هنر سلجوقیان (نمونه موردی «کاسه مینایی» و کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی). پیکره، ۱۳(۳۵)، ۱-۱۹.

DOI: 10.22055/PYK.2024.18789



©2024 by the Authours. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

مقدمه و بیان مسئله

از همان آغاز اسلام، مسلمانان، با توجه به نیاز آگاهی دقیق از اوقات شرعی برای اقامه نماز سر وقت و سایر مسائل شرعی، توجه ویژه‌ای به نجوم و سایر پدیده‌های علمی نشان دادند. در عصر سلجوقیان، هنر به شکوفایی و کمال نسبی رسید و آثار هنری متعدد و متنوعی با مضامین نجومی خلق شد که نشان‌دهنده اهمیت نجوم در این دوره است. هنرمندان این دوره، با آگاهی از جایگاه نجوم و مسائل نجومی، مفاهیم و مضامین نجومی را به‌عنوان تزیینات و نقوش مؤثر در زندگی، در آثار خود به‌وفور منعکس کرده‌اند. دوره سلجوقی یکی از ادوار پویای جهان اسلام در حوزه علوم و هنر است. سلجوقیان در مناطق مختلف (ایران، آسیای مرکزی، ترکیه) حکمرانی می‌کردند. حمایت حاکمان سلجوقی (با راهنمایی وزیران دانشمند ایرانی) از هنرمندان و حکیمان باعث گسترش چشمگیر علوم و هنر در این دوره شد. در این دوره، هنر و علوم بسیار نزدیک و بعضاً در هم تنیده شده‌اند. سفالگری و کتاب‌آرایی عرصه‌ای بی‌بدیل برای انعکاس علوم کیهان‌شناسی شد. کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی جزو اولین آثار مکتوب و مصور است که در بخش‌هایی مستقل به کیهان‌شناسی پرداخته است. در پژوهش حاضر، به‌عنوان نمونه مطالعاتی، یک سفال مینایی که در نواحی مرکزی ایران تولید شده و نسخه‌ای از کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی که در عراق مصور و تهیه شده، به‌عنوان دو پیکره مطالعاتی پژوهش انتخاب شده است که هر دو در دوره سلجوقی تولید شده و نقوش به نگاره‌های سیارات هفت‌گانه در علم کیهان‌شناسی می‌باشند. با وجود گستردگی جغرافیای سیاسی سلجوقیان و مناطق اشغال شده، هنر در همه زمینه‌ها پیشرفت چشمگیر داشته و هنر هر منطقه از سایر مناطق تأثیر گرفته و تداوم داشته است. در واقع یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته هنر ایران اسلامی، تداوم و تکامل مکاتب مختلف هنری است؛ به این صورت که روند خلق آثار هنری در هر مکتب و دوره از تاریخ، در مکاتب و ادوار بعدی، ادامه داشته و رویکردی تکاملی به‌خود گرفته است. با این پیش‌فرض، بررسی و تحلیل آثار هنری در ادوار تاریخی هنر ایران اسلامی مستلزم رویکردی نظری است که به بررسی و مطالعه تأثیر و روابط میان آثار هنری در ادوار و مناطق مختلف این سرزمین پهناور بپردازد. به این منظور در این پژوهش برای مطالعه و تحلیل داده‌ها، رویکرد «بیش‌متنی^۱» «ژرار ژنت^۲» انتخاب شده است. بیش‌متنیت یکی از اقسام «ترامتنیت^۳» در دستگاه ژرار ژنت است که به بررسی شیوه‌های اشتقاق و برگرفتنی آثار از یکدیگر می‌پردازد. در رابطه بیش‌متنی، امکان خلق متن (ب) بدون حضور متن (الف) یا پیش‌متن وجود ندارد. در این نوع از رابطه نه به الهام و تأثیر جزئی، بلکه به تأثیرپذیری کلی یک متن بر متن دیگر توجه می‌شود. این پژوهش با این زمینه نظری قصد دارد نقشمایه‌های سیارات هفت‌گانه را در دو اثر سلجوقیان مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نبود پژوهش مستقل در باب نقشمایه مطالعاتی نقوش به سیارات هفت‌گانه در دوره سلجوقیان از دو منطقه جغرافیایی ایران و عراق جهت مطالعه انتخاب شده که می‌تواند یکی از بهترین مصادیق رابطه بیش‌متنی ژنت باشد که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. هدف از این پژوهش شناخت چگونگی ارتباط دو اثر هنری متفاوت سلجوقیان از دو منطقه جغرافیایی متفاوت (اثر سفالین یا پیش‌متن^۴ از نواحی مرکزی ایران و اثری کتاب‌آرایی یا پیش‌متن^۵ از منطقه عراق) با روش بیش‌متنیت ژرار ژنت است. بر این اساس، سؤالات پژوهش به این صورت مطرح شده است: ۱. شیوه تأثیر ترسیم نقوش سیاره‌های ثابت کتاب «عجایب‌المخلوقات» از کاسه مینایی در دوره سلجوقی بیشتر به کدام گونه از بیش‌متنیت تمایل دارد؟ ۲. در این فرآیند، چه تغییراتی در ترسیم این نقوش ایجاد شده است؟ به‌منظور پاسخ به سؤالات پژوهش، پیکره‌های مطالعاتی، براساس شاخص‌های دوگانه ژرار ژنت (کارکرد و رابطه)، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، از نوع کیفی و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی و تحلیلی و با رویکرد بیش‌متنیت ژرار ژنت انجام شده است. در این پژوهش اطلاعات با استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای گردآوری شده و از ابزارهای اندازه‌گیری مانند پایان‌نامه‌ها، مقاله‌های علمی، جدول‌ها و شکل‌ها استفاده شده است. در روند پژوهش، ابتدا پیکره‌های مطالعاتی، شامل پیش‌متن و بیش‌متن معرفی شده‌اند؛ سپس روابط موجود بین آن‌ها براساس درون‌نشانه‌ای، بینارشته‌ای و عرضی (هم‌زمانی) ارائه شده است. در نهایت پیکره‌های مطالعاتی با توجه به شاخص‌های دوگانه ژنت، یعنی رابطه و کارکرد، ارزیابی شده‌اند. در تراگونگی^۶ که بیش‌متن نسبت به پیش‌متن ایجاد شده است، سعی شده تغییرات بر روی نقوش مطالعاتی شرح داده شود. نمونه‌های پژوهش شامل دو اثر، یکی کاسه مینایی سلجوقی، نگهداری شده در موزه متروپولیتن^۷ به شماره (۵۷،۳۶،۴) و دیگری کتاب «عجایب‌المخلوقات» قزوینی محفوظ در کتابخانه باواریا در مونیخ به شماره ۴۶۴ (عرب) است که براساس رویکرد نظری مورد استفاده در این مطالعه، به عنوان پیکره‌های مطالعاتی و تحت نام پیش‌متن و بیش‌متن قلمداد شده‌اند. روش انتخاب نمونه‌ها (غیرتصادفی) و به صورت هدفمند است.

پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به عمل آمده، چندین پژوهش پیرامون انعکاس نجوم در هنر سلجوقیان شناسایی و در راستای پژوهش، مورد مطالعه واقع گشت: «کن‌بی^۸، بیازیت^۹ و روگادی^{۱۰}» (۲۰۱۶) در کتابی با عنوان «دیوان و کیهان: عصر بزرگ سلجوقیان»، پس از مرور تاریخی این سلسله، به مطالعه انعکاس موضوعاتی مانند توسعه طالع‌بینی و جادو، بیان بصری اکتشافات در علم پزشکی، هنرهای درباری، تدفین و ادبیات در آثار هنری این دوره می‌پردازد. این کتاب مطالعه‌ای جامع درباره وسعت دست‌آوردهای سلجوقی است که شکوه یکی از باشکوه‌ترین سلسله‌های دوره اسلامی را روشن می‌کند و بینش‌هایی را درباره سنت فرهنگی غنی ارائه می‌دهد که میراث فرهنگ اسلامی را تا به امروز شکل داده است. همچنین «کن‌بی، بیازیت و روگادی» (۲۰۲۰) در کتابی دیگر با عنوان «سلجوقیان و جانشینان آن‌ها: هنر، فرهنگ و تاریخ»، به مطالعه دوران حکومت سلجوقیان، مهاجرت مردم و تبادل و ترکیب سنت‌های گوناگون، از جمله فرهنگ‌های ترکمنی، ایرانی-عربی-اسلامی، بیزانسی، ارمنی، صلیبیون و سایر فرهنگ‌های مسیحی پرداخته‌اند. آن‌ها همین‌طور بررسی می‌کنند که چگونه تغییر باورهای مذهبی، ایدئولوژی‌های اقتدار و سبک زندگی در دوران سلجوقی بر تولیدات فرهنگی و هنری، معماری شهری و روستایی، کتیبه‌های یادبود و عنوان سلطنتی و اعمال دین و جادو تأثیر گذاشته است. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «سیستانی و مرآتی» (۱۳۹۴) نیز با عنوان «سیر تحول تصویرسازی نمادها و صور فلکی در آثار مکتوب ایران از دوره سلجوقی تا صفوی»، روند تطور زیبایی‌شناسی و نمادپردازی نقوش صور فلکی در نسخه‌های مکتوب نجومی از دوره سلجوقی تا صفوی مطالعه شده و به این نتیجه رسیده است که نقوش صور فلکی و نمادهای آن به مقدار زیادی در هنر قبل از اسلام و سرزمین‌های تحت سلطه مسلمانان از جمله ایران ریشه دارد. همچنین «غلامی گودرزی و محمودی» (۱۴۰۰) در پایان‌نامه کارشناسی خود با عنوان «نقش نجوم در مصورسازی آثار فلزی دوره سلجوقی»، به بررسی نقش نجوم در مصورسازی و ساخت آثار فلزی دوره سلجوقی پرداخته است. «افسانه بویری کناری و میترا شاطری» (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل آرایه‌های تزئینی «ابزارهای نجومی غیر رصدی» دوره صفوی»، به بررسی و مطالعه حدود ۳۵ ابزار نجومی غیر رصدی منقوش در دوره صفوی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند

که عمده ابزارهای غیر رصدی ساخته شده این دوره کارکرد شخصی داشته و بیشتر جهت راه‌یابی و تشخیص جهت قبله و اطلاع از اوقات شرعی به کار می‌رفته‌اند و به‌عنوان پیشکشی نیز کاربرد داشته‌اند. رایج‌ترین نقوش، نقوش کتیبه‌ای و انسانی - جانوری صور فلکی و بروج دوازده‌گانه، نام سازنده و تاریخ ساخت بوده که با شیوه‌های حکاکی و نقره‌کوبی (جهت نمایش بهتر موقعیت ستارگان) بر روی آثار ایجاد شده است. به این ترتیب، با بررسی و مطالعهٔ بیش‌تر، پژوهشی مستقل با مضمون پژوهش حاضر شناسایی نشد و این پژوهش، شیوهٔ تصویرسازی هنرمندان سلجوقی در مصورسازی سیاره‌های ثابت با دیدگاه بیش‌متنیت ژرار ژنت مورد مطالعه قرار گرفته است.

مبانی نظری

در سال ۱۹۶۶ «کریستوا»^{۱۱} اصطلاح بینامتنیت را برای اولین بار در مقاله «کلمه، گفت‌وگو، رمان» به‌کار برده است. بینامتنیت کریستوا بر این اساس است که متن‌ها، هیچ‌وقت یک‌باره خلق نمی‌شوند و در خلق متن جدید، متن‌های دیگر حضور دارند (آذر، ۱۳۹۵). بر این اساس هر متن جدیدی بافتی است که تار و پود آن از متون پیشین تأثیر گرفته است و فقط آدم اسطوره‌ای و به‌کلی تنهاست که با اولین سخن خود به‌دنیایی بکر و هنوز بیان نشده نزدیک می‌شود و از این جهت‌گیری متقابل مستثنا می‌گردد (تودوروف^{۱۲}، ۱۳۷۷، ۱۲۶). بینامتنیت محدود کردن متن جدید به یک یا چند منبع را قبول نداشته و بر این باور بوده که متن جدید به‌سراغ منابع می‌رود و از آن‌ها تأثیر می‌گیرد (نامورمطلق، ۱۳۹۵، ۳۴). ژرار ژنت اساس بینامتنیت را حضور همزمان دو یا چند متن و حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر می‌داند و به بررسی تأثیر و روابط متون می‌پردازد (احمدی، ۱۳۸۰، ۳۲۰). در نگاه ژرار ژنت، هیچ متنی مستقل از متون پیشین نیست. او به‌صراحت در جستجوی روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هست و به‌ویژه در روابط بیش‌متن، تأثیرگذاری میان دو یا چندین متن را اساس مطالعات خود قرار داده است (نامورمطلق، ۱۳۹۴، ۸۳). بینامتنیت رویکردی است که تجربه‌های تجسمی را در برداشت دم‌دستی یا ریشه‌ای آن از دیگران نمایان می‌کند، یعنی پیدا کردن اینکه اثر جدید چه رابطهٔ موضوعی با آثار دیگر دارد؟ (پرویزی، ۱۳۸۲). بینامتنیت ژنت به دودستهٔ کلان (۱. صریح و آشکار ۲. ضمنی و پنهان) تقسیم می‌شود (نامورمطلق، ۱۳۹۵، ۳۸). ژنت با توسعهٔ مطالعات کریستوا، رابطهٔ میان یک متن با متون دیگر را با اصطلاح جدید ترامتنیت بیان کرده و آن را در پنج‌گونه گروه‌بندی می‌کند: بینامتنیت، سرمتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت و بیش‌متنیت (آذر، ۱۳۹۵). ژرار ژنت بازنگری‌های زیادی در کردار بوطیقا صورت داده است و رویکرد منسجمی که «ترامتنیت» نامیده ارائه داده است. اصطلاحی که می‌توان آن را بینامتنیت از منظر بوطیقایی ساختاری بیان کرد (آلن، ۱۳۸۰، ۱۴۰). در رویکرد بیش‌متنیت، رابطهٔ میان دو متن براساس برگرفتگی این متون از همدیگر تبیین می‌شود (نامورمطلق، ۱۳۸۶). به این شیوه می‌توان بیان کرد که در یک مطالعهٔ بیش‌متنی چگونگی تکثیر و گسترش متن‌ها بررسی شده و برای این مطالعه باید سه شرط اساسی وجود داشته باشد: ۱. متنی بودن موضوع ۲. دارا بودن دو یا بیش از دو متن ۳. مسلم داشتن رابطهٔ پیش‌متن و بیش‌متن (نامورمطلق، ۱۳۹۱). ژنت، در بررسی روابط بیش‌متنیت، به پارامترهای زیادی توجه دارد که مهمترین آن‌ها نوع ارتباط بوده و بر این اساس ارتباط متون را در دوگونه «همان‌گونگی» (تقلید) و «تراگونگی» (تغییر) دسته‌بندی کرده است. شاخص ژنت در این گروه‌بندی سبک می‌باشد. در گروه‌بندی‌ای که ژنت از تجلی یک متن در متون دیگر بررسی می‌کند، به سه گونه نظام ادبی - هنری اشاره کرده که در گذار از یک متن به متن دیگر نقش اساسی بازی می‌کنند: تفننی، طنزی و جدی. شیوهٔ ظهور هر یک از این نظام‌ها براساس ارتباط بین دو متن، به‌صورت موجز، به‌شرح ذیل بیان شده و در جداول ذیل (جدول ۱ و ۲) ارائه گردیده است (قانی و مهربانی، ۱۳۹۸).

جدول ۱. شیوه ظهور گونه‌های سه‌گانه هنری در هر یک از انواع ارتباط بیش‌متنی. منبع: نامور مطلق، ۱۳۹۱.

ردیف	نظام بیانی	بیش‌متنیت	
		همان‌گونه‌گی	تراگونه‌گی
۱	تفنی	پاستیش	پارودی در معنای خاص آن
۲	طنزی	شارژ پاستیش‌طنزی پارودی در معنای رایج کلمه	تراوستیسمان پارودی در معنای رایج کلمه
۳	جدی	فورژری	جایگشت ^{۱۳} (ترانسپوزیشن)

دلیل استفاده از رویکرد بیش‌متنیت در این پژوهش، تطبیق بیشتر این رویکرد با هدف اصلی پژوهش است، زیرا هدف این پژوهش، بررسی شیوه‌های تأثیرپذیری هنرمندان سلجوقی از همدیگر در ترسیم نقوش کیهانی می‌باشد و در بیش‌متنیت ژنت شیوه‌های تأثیر یک متن بر متن دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲. توضیح انواع ارتباط در نحوه ظهور نظام‌های سه‌گانه هنری بیش‌متنی. منبع: فانی و مهربانی، ۱۳۹۸.

ردیف	نوع ارتباط	تشریح معنی
۱	پاستیش	در این گونه شیوه تقلید شده، اما در اکثر موارد موضوع دیگری مورد استفاده قرار گرفته است. درواقع پاستیش تقلید سبکی بیش‌متن از پیش‌متن می‌باشد.
۲	شارژ	به معنی غلو کردن بیش‌متن نسبت به پیش‌متن است که همراه با طنز می‌باشد.
۳	فورژری	تقلید جدی بیش‌متن از پیش‌متن می‌باشد.
۴	پارودی	تراگونه‌گی سبکی بیش‌متن نسبت به پیش‌متن می‌باشد.
۵	تراوستیسمان	به معنی دگرگون کردن جنسیت و تغییر سرشت پیش‌متن و خلق بیش‌متن از این طریق می‌باشد.
۶	جایگشت	به شکل جدی به تغییر سبک و تکثیر متن پرداخته است.

پیکره‌های مطالعاتی

پیکره اول مطالعاتی یا پیش‌متن این پژوهش، کاسه سفالی تزیین شده با نقوش درباری و نجومی ساخت مرکز یا شمال ایران است که به سفارش دربار سلجوقی در اواخر قرن ۱۲ تا اوایل قرن ۱۳ میلادی ساخته شده و اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک به شماره (۵۷،۳۶،۴) نگهداری می‌شود (تصویر ۱) کاسه مورد نظر پژوهش با هفت حلقه و نوار دایره‌ای با نقوش مختلف تزیین شده است. در اولین نوار، خورشید با چهره انسانی، در نوار دوم، شش عدد سیاره، در نوار سوم، ده سوارکار به صورت نیم‌رخ و در فاصله بین سوارکاران پرنده‌ای ترسیم شده است. در نوار چهارم، دو ردیف نقوش هندسی، در نوار پنجم، دو فرمانروای بر تخت نشسته که توسط بیست و شش پیکره احاطه شده‌اند و در نوار ششم، کتیبه‌ای آسیب دیده و مرمت شده با خط کوفی حاوی ذکر و ثنای پادشاه مسلمین وقت است که به علت صدمه دیدن، اسم او مشخص نیست. محتوای کتیبه نشانگر سفارش اثر توسط دربار سلطنتی است. در نوار هفتم، یکسری نقوش هندسی منظم، به شکل دایره، کل لبه کاسه را احاطه کرده است (جدول ۳).



الف



ب تصویر ۱. الف: هفت اختر در بشقاب سفالی، دوره سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: چند تصویر صورالکواکب از کتاب «عجایبالمخلوقات» قزوینی، نسخه مونیخ. منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.

پیکره دوم مطالعاتی یا بیش‌متن این پژوهش کتاب «عجایبالمخلوقات و غرائبالموجودات» تألیف وگردآوری زکریای قزوینی است. مؤلف کتاب را به «ابوطالب طغرل بن ارسلان بن طغرل» اهدا کرده است. این حاکم از سلاجقه عراق است که از سال ۵۵۶ تا ۵۷۳ ه. ق. سلطنت داشته است. زکریای قزوینی ابتدا کتاب را به زبان عربی نوشت و بعداً نسخه فارسی آن را ارائه کرد. نسخه مونیخ تا این لحظه از پژوهش، قدیمی‌ترین نسخه به دست آمده از «عجایبالمخلوقات» قزوینی محسوب می‌شود. این نسخه به شماره ۴۶۴ (عرب) در کتابخانه «باواریا»^{۱۲} در مونیخ نگهداری می‌شود (تصویر ۱). استناد به مطالب صفحه افتتاحیه، تصاویر نسخه را «محمد بن علی دمشقی مطیب»، در شهر واسط، واقع در جنوب بغداد در کرانه رود فرات استنتاج کرده و آن را در ۶۵۸ ه. ش. / ۱۲۸۰ م [۲۴/۲۵ شوال ۶۷۸ ق] به پایان برده است (فن هس^{۱۴} و شوارتس^{۱۵}، ۱۳۸۵). با توجه به تاریخ کتاب، نسخه مونیخ در زمان حیات مؤلف تصویرگری و کتابت شده و سه سال پیش از وفات وی به پایان رسیده است. متن نسخه مورد نظر با ۴۶۷ نگاره کامل شده است (بیگ باباپور، ۱۳۹۲، ۱۳۹). این نسخه حاوی تصاویر و تشریح صورالکواکب در بخش نخست کتاب است که نزدیکترین منبع به پیش‌متن مطالعاتی پژوهش حاضر است (جدول ۳).

جدول ۳. مشخصات پیکره‌های مطالعاتی پژوهش. منبع: نگارندگان.

پیکره مطالعاتی		تاریخ اثر	صاحب اثر	هنرمند	محل نگهداری
۱	پیش‌متن	در اواخر قرن ۱۲ م منسوب به ایران مرکزی یا شمالی	حاکم سلجوقی و قناتشناس دارای کتیبه تقدیمی مخدوش	ناشناس	موزه متروپولیتن به شماره (۵۷,۳۶,۴)

پیکره مطالعاتی		تاریخ اثر	صاحب اثر	هنرمند	محل نگهداری
۲	بیش متن و غرائب الموجودات	۱۲۸۰ م، در شهر واسط واقع در جنوب بغداد	ابوطالب طغرل بن ارسلان بن طغرل، سلجوقی	محمد بن علی دمشقی مطیب	کتابخانه باواریا مونخ به شماره ۴۶۴ (عرب)

سیاره‌های هفت‌گانه (کواکب سبعة)

در نجوم قدیم، هفت عضو منظومه خورشید، شامل خورشید و ماه و پنج سیاره زحل، مشتری، مریخ، زهره و عطارد، سیاره‌های هفت‌گانه یا کواکب سبعة نامیده می‌شدند. این اجرام به سبب درخشندگی شان با چشم غیر مسلح دیده می‌شوند و پیش از اختراع تلسکوپ نیز کاملاً شناخته شده بوده‌اند. در هر دو نمونه مورد نظر پژوهش این سیارات در قالب انسانی ترسیم شده‌اند که در ادامه پژوهش به صورت مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند (جدول ۴).

جدول ۴. سیارات هفت‌گانه در دو پیکره مطالعاتی. منبع: نگارندگان.

سیاره	Sun	Mars	Mercury	Venus	Moon	Saturn	Jupiter
نام عربی	شمس	مریخ	عطارد	زهره	قمر	زحل	مشتری
نام ایرانی	خورشید، خور، هور، مهر	بهرام	تیر	زهره، اهید	ماه	کیوان	هرمز
سفال سلجوقی	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	تصویر ۵	تصویر ۶	تصویر ۷	تصویر ۸
عجایب المخلوقات مونیخ	تصویر ۲	تصویر ۳	تصویر ۴	تصویر ۵	تصویر ۶	تصویر ۷	تصویر ۸

۱. **سیاره خورشید:** سیاره خورشید مهمترین سیاره بین سیاره‌های آسمان محسوب شده و اولین سیاره‌ای است که بشر شناخته و متوجه اهمیت و نقش اساسی آن در حفظ زندگی بشر و طبیعت شده است. انسان نخستین خورشید را قلب و مرکز پیکره هستی قلمداد کرده و برای آن نقش خدایی در نظر گرفته‌اند تا جایی که در بسیاری از ادیان همچون دین مهر جایگاه اساسی و ویژه دارد. در احکام علم نجوم، صفت‌هایی مانند خرد، معرفت، بزرگواری، غرور، پاکیزگی، آرامیدن و بردباری در وصف خورشید آورده شده است (مصفی، ۱۳۵۷، ۲۴۸). در پیکره اول، یعنی کاسه مینایی، مرکز کاسه با نقشمایه خورشید به نشان سیاره خورشید تزیین شده است و تعداد شش سیاره به دور آن به ترتیب با توجه به حرکت عقربه‌های ساعت: مریخ، عطارد، زهره، قمر، زحل و مشتری نقش بسته‌اند. خورشید در قالب انسانی ترسیم شده و نحوه ترسیم ابروهای گرد با چشمان درشت و لب‌های کوچک نشان از جنس مؤنث آن دارد. در اینجا فقط صورت انسانی خورشید ترسیم شده و گرداگرد صورت خورشید خانم را شعاع‌های زیاد در دو ردیف دایره‌ای احاطه کرده است. هنرمند از رنگ‌های طلایی، آبی لاجوردی و اخراپی بهره گرفته است (تصویر ۲) در پیکره دوم، یعنی نسخه خطی «عجایب‌المخلوقات» نگهداری شده در کتابخانه باواریا، خورشید در قالب و پیکره یک انسان کامل ترسیم شده است. اگرچه متأسفانه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن کاملاً مذکر بودن خورشید را هویدا می‌کند. خورشید آقا روی تخت به حالت پادشاهان و لباس آراسته و رسمی سلطنتی نشسته، در حالی که شمشیری را به نشان قدرت و شاهی روی زانوهای خود قرار داده است و روبه‌روی صورت آن یک دایره به نشان خورشید قرار گرفته است (تصویر ۲) هنرمند از رنگ‌های اکری، آبی لاجوردی و قرمز بهره گرفته است.



ب



الف

تصویر ۲. الف: نقش مایه خورشید، کاسه مینایی سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: نقش مایه خورشید در کتاب «عجایب المخلوقات» قزوینی. منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.

۲. سیاره مریخ (بهرام): مریخ چهارمین سیاره در منظومه خورشیدی است. نام فارسی این سیاره بهرام و نام عربی- یونانی آن مریخ است. بهرام یا ورهران که در اصل «ورثرغن» به معنی جنگجو و فتح کننده است. در ادبیات منظوم زبان فارسی هم به صفت خشم و سلحشوری مریخ بسیار اشاره شده و عنوان هایی مانند مریخ خون آلود، حیدر رزم فلک و مریخ سلحشور به او داده شده است (مصفی، ۱۳۵۷، ۷۳۰). این ستاره در تصورات ایرانی، یونان و روم ایزد خدای جنگ بوده است؛ به همین علت، منجمان احکامی مریخ را کوكب لشكريان و امرای ظالم، دزدان و مفسدان شمرده اند (مصفی، ۱۳۵۷، ۷۲۹). در پیکره اول، یعنی کاسه مینایی، سیاره مریخ به صورت مرد جنگجویی با صورت مغولی، چهارزانو نشسته و شمشیری به دست روی شانه چپ و سر بریده ای در دست راستش تصویر شده است. گرداگرد سر جنگجو یک دایره قرار گرفته و چشمان او سمت راست را نظاره می کند. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ های طلایی، قهوه ای و عنابی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، مریخ در هیبت یک جنگجو با لباس قرمز نشسته بر تخت، شمشیر در دست راست و یک سر بریده در دست چپ، در حالی که روبه رو را نظاره می کند، ترسیم شده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ های اکر، قرمز و آبی تیره استفاده کرده است. اگرچه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن بسیار واضح به مذكر بودن آن اشاره دارد. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ های اکر، قرمز و آبی لاجوردی استفاده کرده است (تصویر ۳).



ب



الف

تصویر ۳. الف: نقشمایه سیاره مریخ در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: نقشمایه سیاره مریخ در کتاب «عجایب المخلوقات». منبع: کتابخانه باورایای مونیخ.



ب



الف

تصویر ۴. الف: نقشمایه سیاره عطارد در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: نقشمایه سیاره عطارد در کتاب «عجایب المخلوقات». منبع: کتابخانه باورایای مونیخ.

۳. سیاره عطارد (تیر): سیاره عطارد نزدیکترین سیاره به خورشید است. عطارد کوچکترین و سریعترین سیاره در منظومه شمسی است. این سیاره گریزپاست و به همین دلیل ایرانیان باستان آن را تیر نامیده‌اند. در روم باستان نیز عطارد را به‌عنوان «مرکوری» یا «پیک خدایان» می‌شناسند و نام یونانی آن «هرمس» یا «خدای سرعت» بوده است. در احکام نجوم، سیاره تیر، ستاره شاعران، حکیم‌ها و طبیب‌ها، نقاش‌ها، تاجر‌ها، بازاریان و غیره است. به همین دلیل از ستاره تیر در اشعار فارسی با عناوینی مانند کاتب گردون، اختر دانش، دبیر انجم و کاتب علوی نام برده‌اند (قهاری گیلگو و محمدزاده، ۱۳۸۹، ۱۳). عطارد در ادبیات فارسی و ادبیات عربی دبیر فلک نیز خوانده شده است. به همین جهت در آثار مصور در هیبت مردی کاتب و نشسته تصویر شده است. در پیکره اول یعنی کاسه مینایی، عطارد در قالب مردی کاتب، با لباس و چهره ترکی مغولی، چهارزانو نشسته رو به سمت راست، در حالی که قلمی در دست راست دارد، ترسیم شده است. دایره‌ای سر پیکره را از پس‌زمینه جدا کرده است (تصویر ۴). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، اخراپی و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم یعنی کتاب

«عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، عطارد در قالب مردی کاتب، با لباس و چهره ایرانی، متکایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت چپ، در حالی که قلمی در دست راست دارد، ترسیم شده است. دایره‌ای رنگی سر پیکره را از پس‌زمینه جدا کرده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکری، صورتی و سبزی استفاده کرده است (تصویر ۴).

۴. **سیاره زهره (ناهید):** زهره یا ناهید دومین سیاره بعد از تیر (عطارد) در منظومه خورشیدی است. نام این سیاره به لاتین «ونوس»، در اساطیر یونان و روم برگرفته از نام خدای عشق و زیبایی روم باستان (آفرودیت^{۱۶}) بوده و الهه زیبایی است. در ادبیات فارسی این سیاره با عناوینی مانند ناهید و بیدخت اشاره شده و واژه بیدخت در ادبیات قدیم، بَدخت و به معنی «دختر خدا» معنی شده است. نام دیگر سیاره آناهیتا، اناهید یا ناهید به معنی پاکی و بی‌نقصی بوده و از فرشتگان نگهبان آب محسوب شده است. این سیاره در احکام نجوم با صفاتی مانند اهل زینت و تجمل، کوکب زنان، لهو و شادی، سخریه و سوگند دروغ، عشق و ظرافت بیان شده است. در ادبیات فارسی، سیاره زهره زن بربط نواز، زن خنیاگر و زن مطربه ملقب شده و اکثراً در هر شعری نام زهره می‌آید، به سرود و نوازندگی اشاره شده است (مصفی، ۱۳۵۷، ۳۴۵). در پیکره اول، یعنی کاسه مینای، سیاره زهره در قالب زنی نوازنده بربط، بالباس و چهره ترکی مغولی، چهارزانو نشسته رو به سمت راست که مضراب را به دست راست دارد، ترسیم شده است. ساز بربط با فرم دایره احاطه‌کننده پیکره، هماهنگ ترسیم شده و دایره‌ای رنگی سر پیکره را از پس‌زمینه جدا کرده است (تصویر ۵). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره زهره در قالب زنی نوازنده بربط، بالباس و چهره ایرانی، متکایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت راست، در حالی که مضراب در دست راست دارد، ترسیم شده است. اگرچه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن کاملاً به مؤنث بودن پیکره اشاره می‌کند. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکری، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۵).

۵. **سیاره ماه:** سیاره ماه بعد از خورشید دومین جرم آسمانی درخشان است. سیاره ماه نزدیکترین سیاره به سیاره زمین است که بعد از خورشید از همه اجرام آسمانی بزرگ‌تر بوده و در تفکر و زندگی انسان تأثیر داشته است. در باب قمر و خورشید و تأثیر آن کاملاً در فصول رسایل «اخوان‌الصفا» بحث شده است. اخوان همچنین معتقدند که عمر حیوانات در این عالم به منازل قمر بستگی دارد (قهاری گیگلو و محمدزاده، ۱۳۸۹). در پیکره اول، یعنی کاسه مینای، سیاره ماه در قالب زنی با لباس و چهره ترکی مغولی، چهارزانو نشسته رو به سمت روبه‌رو، گیسوان باز شده، دست‌های باز شده به سمت بالا و دایره‌ای روبه‌روی صورت ترسیم شده است (تصویر ۶). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره ماه در قالب زنی با لباس و چهره ایرانی، متکایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به سمت روبه‌رو، دست‌های باز شده به سمت بالا و دایره‌ای روبه‌روی صورت ترسیم شده است. اگرچه چهره پیکره مخدوش شده است، اما نوع طراحی پیکره و لباس آن کاملاً به مؤنث بودن پیکره اشاره می‌کند. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکری، صورتی، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۶).



ب



الف

تصویر ۵. الف: نقشمایه سیاره زهره در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: نقشمایه سیاره زهره در کتاب «عجایب المخلوقات». منبع: کتابخانه باواریای مونیخ.



ب



الف

تصویر ۶. الف: نقشمایه سیاره قمر در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: نقشمایه سیاره قمر در کتاب «عجایب المخلوقات». منبع: کتابخانه باواریای مونیخ.

۶. سیاره زحل (کیوان): سیاره زحل یا کیوان بعد از سیاره مشتری، دومین سیاره بزرگ منظومه خورشیدی و دورترین سیاره از زمین است. این سیاره به عنوان خدای کشاورزی و ثروت رومی که پدر مشتری نیز بوده نامگذاری شده است. «ایزد ساترنوس»^{۱۸} در روم باستان با سیاره زحل و ایزد کشاورزی ارتباط داشته است. این سیاره برای انسان‌های اولیه، از جمله بابلی‌ها و منجمین خاور دور شناخته شده بود. نام این سیاره از خدای رومی ساترنوس الهام گرفته شده است و یونانیان آن را «کرونوس»^{۱۹} می‌نامیدند. رومی‌ها معتقد بودند که سیاره ساترنوس معادل خدای یونانی کرونوس است. سیاره کیوان دورترین سیاره منظومه شمسی است و واژه (زحل) به معنای بسیار دور گریخته است. منجم‌ها سیاره زحل را ستاره ارباب قلعه‌ها، پیرها و دهقان‌ها، خاندان‌های گذشته، غلام‌های سیاه، صحرائشینان، مردم عادی، زاهدان بدون علم و موصوف به صفات جهل، بخل، مکر، کینه، ستیزه و کاهلی شمرده اند (مصفی، ۱۳۵۷، ۲۳۷). در پیکره اول، یعنی کاسه مینای، سیاره کیوان در قالب مردی با لباس و چهره غربی،

نشسته رو به سمت راست، دو اسلحه تیشه‌مانند در دو دست و دایره‌ای رنگی پشت سر ترسیم شده است (تصویر ۷). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره کیوان در قالب مردی با لباس و چهره غربی، روی صندلی نشسته رو به سمت راست، کلاه شیپوری بلند و داسی بلند به دست چپ روی شانه ترسیم شده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکر، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۷).



ب



الف

تصویر ۷. الف: نقشمایه سیاره کیوان در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: نقشمایه سیاره کیوان در کتاب «عجایب‌المخلوقات». منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.



ب



الف

تصویر ۸. الف: نقشمایه سیاره هرمز در کاسه مینایی سلجوقی. منبع: Ettinghausen, 1975. ب: نقشمایه سیاره هرمز در کتاب «عجایب‌المخلوقات». منبع: کتابخانه باواریا مونیخ.

۷. سیاره مشتری (هرمز): سیاره مشتری یا هرمز، بزرگترین سیاره در منظومه شمسی است. این سیاره در تمدن یونانی «ژئوس» خوانده شده و در روم باستان، «ژوپیتر» (خدای طبیعت) نامیده می‌شد. در زبان عربی خطیب و قاضی فلک نیز نامیده شده است. سیاره مشتری در ایران باستان با عنوان خدای درخشان آسمان (هورمزد) پرستش شده که به مذهب مهر و حتی قبل از آن برمی‌گردد. «هورامزدا» در آیین زردشتی، هورمزد یا اورمزد پیرو همان اعتقاد بوده و در احکام نجومی سیاره هرمز ستاره قاضی‌ها، عالمان، اشراف، اصحاب و ارباب

نوامیس و ترسایان بوده است (مصفی، ۱۳۵۷، ۷۳۶). در پیکره اول، یعنی کاسه مینای، سیاره هرمز در قالب مردی ریش‌دار با لباس و چهره ترکی مغولی، نشسته رو به سمت راست، شیء کتاب‌مانند در دست چپ، دست راست را بلند کرده و دایره‌ای رنگی پشت سر ترسیم شده است (تصویر ۸). هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های طلایی، عنابی، قهوه‌ای روشن و آبی استفاده کرده است. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا، سیاره هرمز در قالب پیرمردی با لباس و چهره ایرانی، نشسته رو به سمت راست، وسیله‌ای کوچک در دست چپ و وسیله‌ای بزرگتر در دست راست و متکایی پشت سر ترسیم شده است. هنرمند در ترسیم پیکره از رنگ‌های اکری، نارنجی و آبی استفاده کرده است (تصویر ۸).

روابط موجود بین پیکره‌های مطالعاتی

در نظر ژنت، متن‌ها دارای نظام‌های نشانه‌ای مختلف (کلامی، تصویری و غیره) هستند. اگر متن‌های مطالعاتی دارای نظام نشانه‌ای یکسان باشند، ارتباط بین آن‌ها (درون‌نشانه‌ای) یا (نظام نشانه‌ای همسان) است؛ در غیر این صورت ارتباط آن‌ها از نوع بین‌نشانه‌ای یا نظام نشانه‌ای غیرهمسان خواهد بود (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ۲۶۰-۲۶۱). بر این اساس، بین پیکره‌های مطالعاتی این پژوهش، رابطه درون‌نشانه‌ای حکم‌فرماست و هر دو نمونه مورد مطالعه دارای نظام تصویری هستند. در نظر ژنت، متن‌های مطالعاتی از نظر فرهنگی ممکن است دو حالت داشته باشند. اگر متن‌ها متعلق به یک فرهنگ خاص باشند، رابطه آن‌ها درون‌فرهنگی و اگر متن‌ها به فرهنگ‌های متفاوتی تعلق داشته باشند، میان آن‌ها رابطه بین‌فرهنگی وجود دارد (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ۲۶۰). بر این اساس متن‌های مورد مطالعه در این پژوهش دارای رابطه درون‌فرهنگی بوده؛ چراکه هر دو متعلق به فرهنگ ایرانی و دوره سلجوقی می‌باشند. به دلیل نبود وجود فاصله زمانی زیاد متون، پیش‌متن و بیش‌متن، رابطه این دو متن را می‌توان از نوع عرضی (هم‌زمانی) در نظر گرفت. اگر آثار مورد مطالعه در یک رشته باشند، رابطه آن‌ها (درون‌رشته‌ای) و اگر آثار به رشته‌های متفاوتی تعلق داشته باشند، میان آن‌ها رابطه (بینارشته‌ای) وجود دارد. بر این اساس آثار مورد مطالعه در این پژوهش دارای رابطه بینارشته‌ای بوده؛ چراکه پیکره اول متعلق به سفال‌گری و پیکره دوم متعلق به کتاب‌آرایی است (جدول ۵).

جدول ۵. خلاصه روابط موجود در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

ردیف	نظام ارتباطی	مصادیق
۱	درون‌نشانه‌ای	هر دو نمونه مورد مطالعه پژوهش دارای نظام یکسان تصویری هستند.
۲	درون‌فرهنگی	هر دو نمونه مورد مطالعه پژوهش متعلق به فرهنگ ایرانی می‌باشند.
۳	عرضی (هم‌زمانی)	هر دو نمونه مورد مطالعه پژوهش متعلق به دوره سلجوقی می‌باشند.
۴	بینارشته‌ای	دو نمونه مورد مطالعه پژوهش متعلق به دو رشته متفاوت هستند: (پیش‌متن: سفالگری، بیش‌متن: نگارگری).

گونه‌شناسی بیش‌متنی

ژرار ژنت برای گونه‌شناسی آثار ابتدا دو شاخص (کارکرد و رابطه) را ارائه می‌دهد، سپس آثار را در یکی از گونه‌های شش‌گانه بیش‌متنی طبقه‌بندی می‌کند. گونه‌شناسی بیش‌متنی ژرار ژنت عبارت‌اند از: پاستیش^{۲۱}، شارژ^{۲۲}، فورژری^{۲۳}، پارودی^{۲۴}، تراوستیسمان^{۲۵} (تراپوشی) و ترانسپوزیشن^{۲۶} (جایگشت).

۱. **شاخص کارکرد:** این شاخص به بررسی نیت یا تأثیر هر عمل که می‌تواند تفننی، طنزی یا جدی باشد، می‌پردازد (نامور مطلق، ۱۳۹۱). در کارکرد تفننی، نسبت بیش‌متن با پیش‌متن، برای تکثیر، همراه با شوخی و تفنن است و جنبه سرگرم‌کننده دارد. در کارکرد طنزی نسبت آن با پیش‌متن ارزش‌زدایی و نقدی است. در کارکرد جدی، هدف ادامه دادن اثر، ترجمه اثر، اقتباس‌های ادبی و هنری و غیره است. با توجه به اینکه کتاب «عجایب‌المخلوقات» به پادشاه وقت تقدیم شده، به احتمال قریب به یقین، کتابی سلطنتی، رسمی و سفارش شده از جانب دربار بوده که از اثر سفالین متعلق به دربار تأثیر گرفته است. همچنین هیچگونه از نشانه‌های نقد، ارزش‌زدایی، شوخی و غیره نسبت به پیش‌متن نمی‌توان در آن سراغ گرفت. از این‌رو براساس شاخص کارکرد، شیوه تأثیر بیش‌متن این پژوهش از پیش‌متن در دسته جدی قرار می‌گیرد. در نهایت با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته از بیش‌متن و پیش‌متن، گونه‌شناسی بیش‌متنی نگاره‌های کتاب «عجایب‌المخلوقات» در گونه «جایگشت» (ترانسپوزیشن) قرار می‌گیرد، یعنی بیش‌متنی متأثر از پیش‌متن خود که در فرم و بافتی دیگر بازتولید شده است. جایگشت دو نوع (صوری و مضمونی) را دربر می‌گیرد. به لحاظ گونه جایگشت، بیش‌متن پژوهش حاضر در گونه جایگشت صوری قرار می‌گیرد؛ چراکه مضمون و محتوا تغییر نکرده و فقط صورت یا شیوه طراحی و ترسیم سیاره‌ها تغییر کرده (گذر از شیوه طراحی سلجوقی به شیوه طراحی ایرانی) و مضمون (کیهان‌شناسی) ثابت است. همچنین به لحاظ انواع جایگشت در گروه جایگشت هنری و زیرمجموعه جایگشت بیناهنری قرار می‌گیرد؛ زیرا که بیش‌متن از نوعی هنر دیگر متأثر شده است؛ به عبارت دیگر بیش‌متن و پیش‌متن متعلق به دو رشته هنری متفاوت هستند (جدول ۶).

جدول ۶. انواع و گونه‌شناسی جایگشت (ترانسپوزیشن). منبع: نگارندگان.

گونه‌های جایگشت		انواع جایگشت	
۱	جایگشت صوری	۱. جایگشت درون‌زبانی ۲. جایگشت بین‌زبانی	جایگشت ادبی
	جایگشت مضمونی	۱. جایگشت درون‌هنری ۲. جایگشت بیناهنری	جایگشت هنری
۲	جایگشت ادبی-هنری	۱. جایگشت ادبی به هنری ۲. جایگشت هنری به ادبی	جایگشت ادبی-هنری

۲. **شاخص رابطه:** رابطه در نظر ژرار ژنت به معنی میزان وفاداری بیش‌متن یا متن دوم به پیش‌متن یا متن اول است. شاخص رابطه به بررسی همان‌گونگی یا تقلید و تراگونگی یا تغییر بیش‌متن نسبت به پیش‌متن می‌پردازد. در ادامه ژنت جدول بیش‌متنی خود را، براساس دو شاخص رابطه و کارکرد، به این گونه ارائه می‌دهد (جدول ۲). به نظر می‌رسد نگارگر کتاب «عجایب‌المخلوقات» در فرآیند اقتباس از نگاره‌های کاسه مینایی، در ساختار کلی اثر به پیش‌متن تصویری خود وفادار بوده است، ولی در برخی از عناصر طراحی و جزئیات چندان تقلیدگر صرف نبوده است. به عبارت دیگر، بین پیش‌متن و بیش‌متن پژوهش حاضر، رابطه تراگونگی برقرار است و بیش‌متن دقیقاً مثل پیش‌متن اجرا نشده است. این تغییرات در چهار نوع تراگونگی قابل ملاحظه است: (جنسی، شکلی، ترکیب‌بندی و رنگی).

۲-۱. **تراگونگی جنسی:** در تراگونگی جنسی، به تغییرات جنسیت نگاره‌ها در دو پیکره مطالعاتی نسبت به یکدیگر توجه می‌شود. هفت سیاره در هر دو پیکره در قالب انسانی ترسیم شده‌اند. جنسیت انسانی دو پیکره دقیقاً مثل هم ترسیم شده و تنها یک مورد از هفت مورد تغییر داشته است. آن هم در سیاره خورشید، به این صورت که

در پیکره اول، خورشید در قالب مؤنث، یعنی خورشید خانم و در پیکره دوم، به صورت مذکر، یعنی خورشید آقا ترسیم شده است (جدول ۷).

جدول ۷. تراگونگی جنسی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

سیاره		خورشید	بهرام	تیر	زهره	ماه	کیوان	هرمز
تراگونگی جنسی	پیش‌متن	زن	مرد	مرد	زن	زن	مرد	مرد
	بیش‌متن	مرد	مرد	مرد	زن	زن	مرد	مرد

۲-۲. **تراگونگی شکلی:** در تراگونگی شکلی، تأکید بر روی تغییرات ترسیمی و فرمی نگاره‌های دو پیکره مطالعاتی نسبت به یکدیگر می‌باشد. در نوع طراحی پیکره‌ها در بیش‌متن، تغییراتی چشمگیر نسبت به پیش‌متن اعمال شده است و این تغییرات شامل طراحی چهره، حالت کلی لباس، ادوات و سایر تزیینات می‌شود. در پیکره اول مطالعاتی، یعنی کاسه مینای به‌عنوان پیش‌متن پژوهش، هنرمند برای پوشش قالب انسانی اغلب سیاره‌ها از لباس رایج ترکی مغولی استفاده کرده است. چنانکه در اغلب سفال‌های مینایی این دوره رایج است، چهره‌های گرد و چشمانی بادامی‌شکل، سرها بزرگتر از بدن و هاله دور سر جهت جدا نمودن پیکره از پس‌زمینه، به تأثیر هنر مانوی، سطح لباس‌ها با نقوش هندسی و بدون چین و چروک تزیین شده است. چنانکه پیش‌تر نیز ذکر شد، پیکره انسانی سیاره‌ها با ادوات مورد استفاده، در هماهنگی با دایره‌ای که درون آن قرار گرفته‌اند، ترسیم شده‌اند. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا به‌عنوان بیش‌متن، هنرمند چندان از پیش‌متن تبعیت نکرده است. او برخلاف پیش‌متن، سیاره خورشید را در قالب یک انسان کامل و جنسیت مذکر طراحی کرده است. همچنین برای پوشش قالب انسانی سیاره‌ها از لباس رایج دوره عباسی در نگارگری استفاده کرده است. این لباس‌ها از فرم لباس ساسانی تأثیر گرفته و به تأثیر هنر بیزانسی چین و چروک گرفته‌اند. سیاره‌هایی که در قالب مذکر ترسیم شده‌اند، دارای ریش و چهره آن‌ها شبیه به نژاد ایرانی و سامی ترسیم شده است. همچنین چنانکه در بالاتر ذکر شد، در طراحی ادوات و سایر لوازم همراه پیکره‌ها، چندان به پیش‌متن خود متعهد نبوده است (جدول ۸).

جدول ۸. تراگونگی شکلی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

تراگونگی شکلی		سیاره
بیش‌متن	پیش‌متن	
پیکره انسانی کامل با صورت و لباس ایرانی	فقط چهره با صورت ترکی مغولی ترسیم شده	خورشید
صورت و لباس ایرانی	صورت و لباس ترکی مغولی	بهرام
صورت و لباس ایرانی	صورت و لباس ترکی مغولی	تیر
صورت و لباس ایرانی	صورت و لباس ترکی مغولی، برپست مدور	زهره
صورت و لباس ایرانی، متکا پشت سر	صورت و لباس ترکی مغولی، گیسو باز شده	ماه
صورت و لباس غربی یک داس بلند در دست	صورت و لباس ترکی غربی دو تیشه در دست	کیوان
صورت و لباس ایرانی، متکا پشت سر	صورت و لباس ترکی مغولی	هرمز

۲-۳. **تراگونگی ترکیب‌بندی:** در تراگونگی ترکیب‌بندی به تنظیم جایگاه اجزای تشکیل‌دهنده اثر به‌منظور ایجاد وحدت و تناسب در کلیت و بین بخش‌های مختلف پیکره سیاره‌ها، در دو پیکره مطالعاتی نسبت به یکدیگر، توجه می‌شود. در نوع ترکیب‌بندی پیکره‌های ترسیمی در بیش‌متن تغییراتی چشمگیر نسبت به پیش‌متن اعمال شده است و این تغییرات شامل زاویه دید پیکره‌ها، ادوات در دست پیکره‌ها و نوع ابزار مورد استفاده پیکره‌ها می‌شود. در پیکره اول مطالعاتی، یعنی کاسه مینای به‌عنوان پیش‌متن پژوهش، به‌جز سیاره ماه که روبه‌رو را نگاه می‌کند، بقیه سیاره‌ها همگی در حال نگاه به‌سمت راست خویش طراحی شده‌اند. در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب‌المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا به‌عنوان بیش‌متن، سه سیاره در حال نظاره کردن سمت راست، سه سیاره رو به‌سمت روبه‌رو و تنها سیاره تیر در حال نظاره کردن سمت چپ ترسیم شده است. هنرمند برخلاف پیش‌متن، سیاره خورشید را با یک قالب انسانی کامل و مسلح به شمشیر ترسیم کرده است. در ترسیم سیاره بهرام جای شمشیر و سر بریده را عوض کرده است. در سیاره تیر، متکایی به پشت سر پیکره اضافه کرده است. سیاره زهره برخلاف پیش‌متن در یک قالب مربعی شکل طراحی شده؛ همچنین برپا او در قالب مثلث شکل طراحی شده است. در سیاره ماه، ماهبانو دایره روبه‌روی صورت خود را در دست گرفته است. در طراحی سیاره کیوان، یک صندلی و داس بلند با کلاه شیپوری بلند به پیکره اضافه کرده است. نوع ابزار مورد استفاده سیاره هرمز نیز تغییر کرده و متکایی به پشت سر پیکره اضافه شده است (جدول ۹).

جدول ۹. تراگونگی ترکیب‌بندی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

سیاره	پیش‌متن	بیش‌متن
خورشید	پیکره سمت راست را نظاره می‌کند	پیکره روی تخت شاهی با لباس سلطنتی، شمشیری روی زانو، روبه‌رو صورت یک دایره، رو به‌سمت روبه‌رو
بهرام	شمشیری به‌دست روی شانه چپ و سر بریده‌ای در دست راست و نظاره‌گر سمت راست	شمشیر در دست راست و یک سر بریده در دست چپ در حالی که روبه‌رو را نظاره می‌کند
تیر	چهارزانو نشسته رو به‌سمت راست، قلمی در دست راست، دایره‌ای دور سر پیکره	متکایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به‌سمت چپ، قلمی در دست راست، دایره‌ای دور سر پیکره
زهره	چهارزانو نشسته رو به‌سمت راست، مضراب در دست راست، ساز برپا با فرم دایره، دایره‌ای رنگی پشت سر پیکره	متکایی در پشت سر، چهارزانو نشسته رو به‌سمت راست، مضراب در دست راست، اگرچه چهره پیکره مخدوش
ماه	چهارزانو نشسته رو به‌سمت روبه‌رو، دایره‌ای رنگی روبه‌روی سر پیکره	چهارزانو نشسته رو به‌سمت روبه‌رو، دایره‌ای روبه‌روی سر پیکره، متکایی در پشت سر، چهره پیکره مخدوش
کیوان	نشسته رو به‌سمت راست، دو اسلحه تیشه‌مانند در دو دست و دایره‌ای رنگی پشت سر	روی صندلی نشسته رو به‌سمت راست، کلاه شیپوری بلند و داسی بلند به دست چپ روی شانه
هرمز	نشسته رو به‌سمت راست، شیء کتاب‌مانند در دست چپ، دست راست را بلند کرده و دایره‌ای رنگی پشت سر	پیرمردی با لباس و چهره ایرانی، نشسته رو به‌سمت راست، دو وسیله در دو دست، متکایی پشت سر

۲-۴. **تراگونگی رنگی:** در تراگونگی رنگی تأکید بر روی تغییرات رنگی پیکره سیاره‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها در دو پیکره مطالعاتی نسبت به یکدیگر می‌باشد. در نوع رنگ‌گذاری پیکره‌های ترسیم شده در بیش‌متن تغییراتی چشمگیر نسبت به رنگ پیکره سیاره‌ها در پیش‌متن اعمال شده است. در پیکره اول مطالعاتی، یعنی کاسه مینای به‌عنوان پیش‌متن پژوهش، رنگ‌ها در کلیت آثار دارای تالیته‌های تیره و زمخت هستند؛ اما هنرمند

در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا به عنوان بیش‌متن، برای رنگ‌گذاری پیکره سیاره‌ها و اجزای مربوطه، از رنگ‌های شفاف‌تر و روشن‌تری استفاده کرده است. هنرمند به جای آبی سیر در پیش‌متن، رنگ آبی روشن انتخاب کرده و به جای رنگ عنابی تیره از رنگ قهوه‌ای روشن بهره برده است. همچنین به جای رنگ طلایی از رنگ اگر روشن و زرد استفاده کرده است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. تراگونگی رنگی در دو پیکره مورد مطالعه پژوهش. منبع: نگارندگان.

سیاره	تراگونگی رنگی	
	پیش‌متن	بیش‌متن
خورشید	طلایی، عنابی، آبی	اگر، آبی و قرمز
بهرام	طلایی، قهوه‌ای و عنابی	اگر، قرمز و آبی
تبر	طلایی، عنابی و آبی	اگر، صورتی و سبز
زهره	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اگر، نارنجی و آبی
ماه	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اگر، صورتی، نارنجی و آبی
کیوان	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اگر، نارنجی و آبی
هرمز	طلایی، عنابی، قهوه‌ای و آبی	اگر، نارنجی و آبی

نتیجه‌گیری

هنر در ایران از آغاز تا زمان حال یک جریان به‌هم‌پیوسته بوده و همواره سویه تکاملی داشته و هنرمندان در همه دوره‌های تاریخی دارای شناخت کامل از هنر دوره‌های پیشین خود بوده‌اند و تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از تجارب گذشتگان، هنر زمان خویش را به حدّ اعلای خود برسانند. با این پیش‌فرض، در این پژوهش سعی شد تأثیرپذیری طراحی و ترسیم نگاره سیاره‌های هفت‌گانه در کتاب «عجایب المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا از یک کاسه مینایی در دوره سلجوقی، با رویکرد بیش‌متنی ژرار ژنت بررسی و تحلیل شود. در پاسخ به سؤال اول که شیوه تأثیر ترسیم نقوش سیاره‌های ثابت کتاب «عجایب المخلوقات» از کاسه مینایی در دوره سلجوقی بیش‌تر به کدام گونه از بیش‌متنیت تمایل دارد؟ با توجه به بررسی و مطالعات ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که طراحی و ترسیم پیکره سیاره‌ها در پیکره دوم، یعنی کتاب «عجایب المخلوقات» نسخه کتابخانه باواریا به عنوان بیش‌متن این پژوهش، به لحاظ شاخص رابطه نسبت به پیش‌متن دارای تراگونگی (تغییر) است؛ همچنین براساس رابطه کارکرد در دسته جدی قرار می‌گیرد، در نتیجه در رویکرد بیش‌متنی ژرار ژنت در گونه ترانسپوزیشن یا تراگونگی با کارکرد جدی قرار می‌گیرد. در پاسخ به سؤال دوم که در این فرآیند تأثیرپذیری، چه تغییراتی در ترسیم پیکره سیاره‌ها ایجاد شده است؟ می‌توان به تفکیک، به چهار نمونه از تراگونگی و تغییرات اشاره کرد: (جنسی، شکلی، ترکیب‌بندی، رنگی). با وجود اینکه هنرمند در خلق نگاره‌های کتاب «عجایب المخلوقات» از یک پیش‌متن هم‌دوره خود تأثیر گرفته است، اما او خود را محدود به کپی‌برداری صرف از آن نکرده و از خلاقیت خود نیز بهره برده است. به عبارت دیگر، هنرمند نگارگر کتاب «عجایب المخلوقات» در تأثیرپذیری از هنرمندان هم‌دوره خود نگاهی تقلیدی ندارد و سعی می‌کند تا از پیش‌متن خود فراتر رود و در این مسیر از سنت نقاشی ایرانی و جامعه خود تأثیر می‌پذیرد. در فرآیند خلق بیش‌متن و تأثیرپذیری نگارگر کتاب «عجایب المخلوقات» از هنرمند کاسه مینایی، به دلیل تفاوت در پیشینه و بافت فرهنگی، هنری و اجتماعی، بیش‌متن دچار تراگونگی و تغییر شده است. تغییرات ایجاد شده در

نگارهٔ سیارات هفت‌گانهٔ کتاب «عجایب‌المخلوقات» علاوه بر اینکه موجب خلق اثری جدید و مستقل شده است، سبب ایجاد بیش‌متنی مرتبط با هنر و جامعهٔ خلق اثر نیز شده است. هنرمند در برخی از قسمت‌های نگاره‌ها به ویژگی‌های فرهنگی - هنری و اجتماعی جامعهٔ ایران اشاره دارد، مثلاً استفاده از پوشاک و البسهٔ ایرانی رایج در نگارگری عباسی، خطوط سیال و روان دورگیری پیکره‌ها، خلق چین و چروک لباس پیکره‌ها و طراحی صورت و اندام ایرانی پیکره‌ها، اشاره به قواعد زیبایی‌شناسی نگارگری ایرانی دارد. در نهایت می‌توان چنین اذعان کرد که اگرچه نگارگر سیارات هفت‌گانهٔ کتاب مذکور از یک اثر با خصوصیات فرهنگی - هنری ترکی سلجوقی، تأثیر گرفته است، ولی با اقتباس‌های سنجیده به اثری مستقل و جدید دست‌یافته که در آن فرهنگ و سنت نگارگری ایرانی استمرار و تداوم یافته است.

مشارکت‌های نویسنده

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده ۱ با عنوان «خوانش بینامتنی نقش متن خورشید در هنر سلجوقیان ایران» است که با راهنمایی نویسندگان ۲ و ۳ و مشاوره نویسنده ۴ در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

تقدیر و تشکر

فاقد قدردانی

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی‌نوشت

1. Hypertextuality
2. Gérard Genette
3. Transtexualité
4. Hypotext
5. Hypertext
6. Transformation
7. Metropolitan Museum of Art
8. Sheila R. Canby
9. Deniz Beyazit
10. Martina Rugiadi
11. Julia Kristeva
12. Tzvetan Todorov
13. Transpositio
14. Bayerische Staatsbibliothek
15. Syrinx von Hees
16. Edward Schwartz
17. Aphrodite
18. Saturn
19. Cronus

20. Zeus
21. Pastiche
22. Charge
23. Forgerie
24. Parodie
25. Travestiman
26. Transposition

منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). *ساختار و تأویل متن*. تهران: مرکز.
- آذر، اسماعیل. (۱۳۹۵). *تحلیلی بر نظریه‌های بینامتنیت ژنتی*. *فصلنامه علمی- پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، ۲۴(۲)، ۳۱-۱۱.
- آلن، گراهام. (۱۳۸۰). *بینامتنیت (ترجمه پیام یزدان جو)*. تهران: مرکز.
- بویری کناری، افسانه و شاطری، میترا. (۱۴۰۲). *بررسی و تحلیل آرایه‌های تزئینی «ابزارهای نجومی غیر رصدی» دوره صفوی*. پیکره، ۱۲(۳۴)، ۵۶-۷۵. Doi: 10.22055/pyk.2023.18677
- بیگ باباپور، یوسف. (۱۳۹۲). *نسخه برگردان عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات*. تهران: سفیر اردهال.
- پرویزی، محمد. (۱۳۸۲). *تبارشناسی اصطلاح بینامتنیت*. *دوهفته‌نامه تندیس*، ۱۵(۸-۱۰).
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۷). *منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین (ترجمه داریوش کریمی)*. تهران: مرکز.
- سیستانی، الهام و مرآئی، محسن. (۱۳۹۴). *سیر تحول تصویرسازی نمادها و صور فلکی در آثار مکتوب ایران از دوره سلجوقی تا صفوی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد تصویرسازی)*. دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
- غلامی گودرزی، طاهره و محمودی، فتانه. (۱۴۰۰). *نقش نجوم در مصورسازی آثار فلزی دوره سلجوقی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد صنایع دستی)*. دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
- فن هس، سیرینکس و شوارتس، ادوارد. (۱۳۸۵). *نقش مرغ در نسخه عجایب‌المخلوقات (ترجمه عباس آقاجانی)*. گلستان هنر، ۲(۲)، ۷۸-۹۰.
- قانی، افسانه و مهرابی، فاطمه. (۱۳۹۸). *بررسی و تحلیل عناصر بصری قالیچه جانماری صفوی براساس آرای ژرار ژنت*. *فصلنامه علمی نگره*، ۱۴(۵۲)، ۶۹-۸۳. Doi: 10.22070/NEGAREH.2019.4131.2111
- قهاری گیگلو، مهناز و محمدزاده، مهدی. (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواکب و آثار فلزی سده‌های پنجم تا هفتم هجری*. *فصلنامه علمی نگره*، ۵(۱۴)، ۲۱-۵.
- مصفی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی*. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۶). *ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها*. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۶(۸۳-۹۸).
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۱). *گونه‌شناسی بیش‌متنی*. *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، ۹(۳۸)، ۱۳۹-۱۵۲. Doi: 20.1001.1.17352932.1391.9.38.7.7
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت*. تهران: سخن.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۵). *بینامتنیت: از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم (نظریه‌ها و کاربردها)*. تهران: سخن.
- Canby, Sh, Beyazit, D, & Rugiadi, M. (2016). *Court and Cosmos: The Great Age of the Seljuqs*. USA: Yale University Press.
- Canby, Sh, Beyazit, D, & Rugiadi, M. (2020). *The Seljuqs and their Successors: Art, Culture and History*. Scotland: Edinburgh University Press.
- Ettinghausen, R. (1975). *Islamic Art. The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, 33(1), 3-52.